

خانه > خارج از سیاست > ویژه نامه گلشیری > آقای هوشنگ گلشیری عزیز سلام

تاریخ انتشار: ۱۵ خرداد ۱۳۸۹

• چاپ کنید

## آقای هوشنگ گلشیری عزیز سلام

عمران صلاحی

وقتی که در خرداد ۱۳۷۹ هوشنگ گلشیری به طور نابهنگام درگذشت، هیچکس خبر نداشت که شش سال بعد طنزنویس نامدارمان، عمران صلاحی هم در شصت سالگی در سحرگاه یک روز بایبزی از دنیا می‌رود. ویژه‌نامه‌ی هوشنگ گلشیری به مناسبت دهمین سال درگذشت او را با طنزنوشته‌ی صمیمی اما غمناک «آقای حکایتی» سال‌های کارنامه و دنیای سخن ادامه می‌دهیم: ده روز به نشانه‌ی ده سال. امروز با عمران صلاحی.



عمران صلاحی

امیدوارم حال شما خوب باشد و راحت خوابیده باشید، ما تصور می‌کنیم شما در آنجا هم که هستید، آرام و قرار ندارید و نگران مائید. نگران به اینکه به بیراهه نرویم و درست فکر کنیم و خوب بنویسیم. اگر جویای احوال مت باشید ملالی نیست به جز دوری شما. هوای دل ما کاملاً آبری است و در بعضی نقاط، همراه با رگبارهای پراکنده.



فیس بوک - زمانه



ورود به صفحه فیسبوکی زمانه

اعلانات

دو سه سال است که بیشتر اوقات ما در بیمارستان‌ها و گورستان‌ها و مجالس ترحیم می‌گذرد. فرارها و دیدارهای ما بیشتر ترحیم است. این پنجشنبه هم قرار است به مجلس ترحیم نویسنده‌ای دیگر برویم. اگر شما هم در سفر نبودید، حتماً می‌آمدید، آقایان مختاری و پوینده هم می‌آمدند. خانم علیزاده هم می‌آمد. لطفاً سلام ما را به آنها برسانید.

سابقاً برای دیدن دوستان از این کافه به آن کافه می‌رفتیم، اما حالا از این ختم به آن ختم. شما خودتان شاهد بودید، حتی به بعضی مجالس ترحیم با دلهره می‌رفتیم. چون بعضی از عوارض جانبی می‌خواستند ما را از حالت عمودی به حالت افقی دریاورند.



هوشنگ گلشیری

آقای گلشیری عزیز می‌بخشید اگر نامه کمی غیرجدي شد. شما خودتان هم با ما شوخی کرده‌اید. آخر چه معنی دارد که به این زودی بگذارید بروید. ما تازه چای دم کرده‌ایم و منتظریم بچه‌ها داستان بخوانند. اهل قلم از ترس شما جرئت نمی‌کردند بد نویسند. ما مطمئنیم بعد از این هم جرئت نخواهند کرد. چون شما همچنان حضور دارید و با خشم مهربان‌تان نگران و مراقب کار آنها هستید. شما بیشتر از آنکه خودتان بنویسید، گذاشتید دیگران بنویسند.

ما (خودم را می‌گویم) بعد از رفتن‌ها نه سری به خانه‌ی شما زدیم و نه به آنجا تلفن کردیم. چون خیال می‌کردیم مثل همیشه در خانه مشغول نوشتن هستید و نباید وقت‌تان را بگیریم. حالا هم روی‌مان نمی‌شود به خانم - بچه‌ها تسلیت بگوییم.

تو اگر  
بسته‌ای بار سفر

تو اگر  
نیستی دیگر

پس چرا من از همه جا  
صدای تپش قلب تو را می‌شنوم؟

اشتراک

#### در همین زمینه:

• هستش هنوز و نیستش حالا کاتب نظرات بیان شده در این نوشته الزاماً نظرات سایت زمانه نیست.